

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۸

طنز در کتاب جنگ دوست داشتنی* (علمی- پژوهشی) مجموعه خاطرات سعید تاجیک

عبدالرضا قیصری

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر محمدرضا صرفی

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

کتاب جنگ دوست داشتنی نوشته سعید تاجیک، حاوی خاطرات اغلب طنز آمیز و شوخ طبعانه درباره حضور وی در جبهه های جنگ هشت ساله است. او با استفاده از ذهن توانمند خود بدون داشتن یادداشت روزانه، جزییات مربوط به حوادث و شخصیت ها را به یاد آورده و با زبانی طنز آمیز به رشته کلام کشیده است. در میان خاطرات وی، هم طنزهای مبتنی بر موقعیت طنز آمیز و هم طنزهای عبارتی که مبتنی بر ظرفیت های زبانی هستند، وجود دارد و تلفیق این دو شیوه، کتاب او را خواندنی و ارزشمند کرده است.

واژگان کلیدی

طنز موقعیت، طنز عبارتی، شگردهای طنز، خاطره نویسی، دفاع مقدس.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۶/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۸/۹/۳۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده: m-sarfi@yahoo.com

۱- مقدمه

دفاع هشت ساله دلاوران ایرانی در مقابل تجاوز رژیم عراق، در عرصه ادبیات بازتاب‌ها و جلوه‌های متعددی داشته که در این میان خاطره نویسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که شرایط جنگ به گونه‌ای است که لمس و دریافت عینی و دیدن واقعیات آن در ایجاد آثار ادبی و هنری درباره آن، موثر است و بلکه ضروری به نظر می‌رسد. گونه خاطره مستقیماً بر آمده از این دریافت‌ها و برخوردهای عینی است. خاطره مکتوب، بازآفرینی رسوبات ذهنی به جا مانده از دیده‌ها و شنیده‌های تعریف شده است (هاشمی، ۱۳۸۶، ۸۵).

از طرفی، وقتی می‌گوییم ادبیات جنگ، تصویری از یک ادبیات قلدر و بزین بهادر در نظرمان مجسم می‌شود، ادبیات جنگ با وجود اسم نکره‌اش، اصلاً ادبیات عبوسی نیست (سرهنگی، ۱۳۸۵، ۷۱). طنز از واقعیات زندگی رزمندگان بوده است که علاوه بر اینکه زاینده وجود زندگی و سرزندگی، آن هم در شرایطی متفاوت است؛ برای حفظ و افزایش روحیه ایثارگری و دلاوری و گاهی با هدف انتقاد از شرایط و حتی گاه برای تضعیف روحیه دشمن به کار گرفته می‌شده است. کتاب "جنگ دوست داشتنی" اثر سعید تاجیک از جمله کتاب‌هایی است که مشحون از شوخ طبعی‌ها و آینه‌ای شفاف در بازنمایی طنز آمیز واقعیات و روحیات رزمندگان ایرانی در طول دفاع مقدس است. در این مقاله، شکل خاطره نویسی به کار رفته در این کتاب بررسی شده و ضمن نگاهی به خصوصیات نویسنده، به انواع طنزهای به کار رفته در متن خاطرات کتاب، از لحاظ اتکا به موقعیت‌های طنز آمیز و عبارات‌های شوخ طبعانه به طور دقیق‌تر نگاه شده است و نشان داده شده که نویسنده از هر دو عنصر یاد شده در آفرینش این اثر به شکلی نسبتاً مطلوب بهره گرفته و از این حیث اثری در خور ارائه نموده است.

چاپ سوم این کتاب که در سال ۱۳۸۷ توسط حوزه هنری و در ۵۵۱ صفحه به انتشار رسیده، مورد نظر ما قرار گرفته است.

۲- نوع خاطره نویسی کتاب

خاطره که از واژه «خاطر» گرفته شده، در واژه نامه‌ها به ویژه واژه نامه‌های قدیمی‌تر، نه به عنوان یک نوع ادبی *Literary Genre*، بلکه با توجه به معنای آن در ادبیات و به خصوص شعر کهن به صورت، فکر، اندیشه و خیال و ... معنا شده

است. اما خاطره به یاد آوردن حوادث، حالات و ماجراهایی است که شخص تجربه کرده، دیده، شنیده یا در جریان رویداد آن بوده است.

احمد دهقان در کتاب «خاک و خاطره» خاطره نویسی مکتوب را اثری می‌داند که نویسنده با اتکا به حافظه، با مرور گذشته و وقایعی که بر او گذشته نوشته است. او معتقد است؛ درباره شیوه نوشتن خاطرات روزانه، کتاب‌های زیادی در دنیا منتشر شده است اما در زبان فارسی حجم این نوع آثار، محدود و انگشت شمار است (دهقان، ۱۳۸۶، ۱۷۸).

وی خاطرات خودنوشت را به دو دسته تقسیم می‌کند. یک دسته خاطراتی هستند که بر اساس دست نوشته های روزانه شخص در زمان اتفاق افتادن حوادث، نوشته می‌شوند و دیگری آنهایی هستند که بر اساس یادآوری و با تکیه بر ذهن و یاد نویسنده، مکتوب می‌شوند و تصریح می‌کند که «اکثر خاطره نویسان جنگ، اولین بار است که می‌خواهند کتابی بنویسند و خاطرات خود را از جنگ، به صورت کامل و مشروح، مکتوب کنند» (همان، ۱۷۷).

سعید تاجیک خاطرات خود را در کتاب جنگ دوست داشتنی، بر اساس یادآوری دقیق حوادث و با تکیه بر ذهن خود و مرور اتفاقات گذشته نوشته است. او در پاسخ هم‌زمانش که پرسیده اند: سعید! تو کجا می‌نوشتی که ما نمی‌دیدیم؟ گفته است: خدا شاهد است حتی یک خط از قبل نوشته ندارم، همه را ذهنی کار کردم. من زمان جنگ اصلا حال و حوصله خاطره نویسی نداشتم. فقط به کار جنگ و شوخ طبعی خودم سرگرم بودم! ... ساعات عملیات و اتفاقاتی که افتاده، دقیقا یاد می‌آید. ساعت عملیات، ساعت لو رفتن کار، ساعت غذا خوردن بچه‌ها و اینکه چه غذایی می‌خورند، همه را به یاد می‌آورم. البته این لطف خداست که ذهن من، سرشار از آن لحظات می‌شود تا بتوانم خاطرات بچه‌ها را ثبت کنم (پرنیان، ۱۳۸۴، ۴۱).

۳- آثار و احوال نویسنده

سعید تاجیک متولد ۱۳۴۵ شهر ری، خاطرات حضور خود در جبهه های دفاع مقدس را در چند کتاب به رشته تحریر در آورده است. اولین کتاب او «آخرین گلوله‌ها» ست که خاطرات عملیات کربلای پنج است. این کتاب در سومین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس در بخش خاطره، رتبه اول را به دست آورده است. «هشتاد روز مقاومت» کتاب دوم اوست که در سال ۱۳۷۳ چاپ شده و «نبرد در کانی

مانگا» کار بعدی اوست. تاجیک، همچنین، مجموعه خاطراتش را در یک جلد و با نام «جنگ دوست داشتی» گردآوری کرده، این کتاب که بار اول در سال ۱۳۸۷ منتشر شده، موضوع این مقاله قرار گرفته است.

آنچنان که از خاطرات خود او در مقدمه کتاب بر می آید، وی در کودکی بسیار پرانرژی و کنجکاو بوده، در کودکی و نوجوانی انقلاب را لمس کرده و با شروع جنگ، اشتیاق شدیدی برای حضور در جبهه داشته است. تا اینکه در سال ۱۳۶۱ و در حالی که تنها شانزده سال داشته، بدون اطلاع خانواده و پس از گذراندن دوره آموزش به جبهه اعزام می شود.

۱-۳- نویسنده شوخ طبع

شوخی طبعی تاجیک از همان ابتدا و هنگام نقل خاطرات کودکی اش در فصل اول کتاب به چشم می آید.

او درباره علاقه اش برای اعزام به جبهه می گوید:

عشق به جبهه داشت مرا می کشت. به هر دری زدم تا به جبهه بروم، اما بی فایده بود. صورتم مثل صورت آقا بزرگ چنگیز خان مغول، صاف صاف بود؛ دریغ از یک تار مو! هر کاری کردم موهای صورتم بیرون بریزد، نمی ریخت. به یکی از بچه ها گفتم: «چه کار کنم تا صورتم مو در بیاورد؟» گفت: «صورتت را تیغ بکش!...»

این شوخی طبعی از همان ابتدا، نوع نگرش و زبان نویسنده را به خواننده اعلام و القا می کند. وی ذاتا انسانی شوخ طبع و برون گرا است و در میان همزمانش به این خصیصه شناخته می شده است. این موضوع گاهی باعث سوء تفاهم و حتی کتک خوردن او هم شده است. آرتور پلارد معتقد است؛ زیستن با یک طنزپرداز کار آسانی نیست. او بیش از حد معمول نسبت به حماقت ها و شرارت های ممنوعانش آگاهی دارد و این آگاهی را نمی تواند پنهان کند (پلارد، ۱۳۸۷، ۴). این شوخی طبعی در قلم او بروز کرده و خاطرات او را خواندنی و توأم با طنزهای نوشتاری و موقعیتی نموده است.

گاهی برای خندانیدن بچه ها و نگهداشتن روحیه آنها دست به کارهای خنده دار می زد. از خدا خواسته بودم که در این عملیات روحیه خوبی به خودم و دیگران بدهد. خداوند هم چنین لطفی کرد (تاجیک، ۱۳۸۷، ۲۶۵).

۲-۳- صداقت نویسنده

تاجیک در بیان خاطراتش صداقتی خاص دارد. او در صدد پرننگ کردن رفتار و شخصیت خود و مهم جلوه دادن خودش در خاطرات بر نمی آید و دلهره ها و شوخی ها و اشتباهات خود و دیگر شخصیت های خاطراتش را بی پرده و بی لکنت بیان می کند و در این راه حتی از تشریح حوادث و تصاویر هولناک و گاه چندان آزر نیز ابایی ندارد.

- برای اولین بار بود که در جبهه نوحه می خواندم. به خودم گفتم «نه به آن عرعر، نه به این نوحه خواندن و گریه انداختن ات!» (همان، ۳۶۴).

- فکر کرده بود قصد شوخی دارم. بعد از چند دقیقه که او را دیدم، گفتم «برادر سلیمی! من با کدام تیم بروم جلو؟ علی یک سیلی محکم به صورتم زد و گفت: «تاجیک بین! موقع شوخی، شوخی؛ موقع کار، کار. حالا خوب حواست را جمع کن، هر وقت گفتم با تیم یک سوار قایق شو» خیلی ناراحت شدم. چیزی نگفتم و گوشه ای خاموش ایستادم (همان، ۱۹۷).

- در اوج عملیات کنارم چند جنازه عراقی افتاده بود که یکی از آن ها هنوز جان داشت و خر خر می کرد. یک نفر تا جنازه را دید. با عصبانیت گفت: «تو هنوز زنده ای؟» و اسلحه اش را از ضامن خارج کرد و یک خشاب در بدن آن عراقی خالی کرد. یکی از گلوله ها به سر او اصابت کرد. مغزش را متلاشی کرد و به سر و صورت من پاشید. با عصبانیت پس گردن او زدم و گفتم: آهای در به در، چه کار می کنی؟ مگر می خواهی نهنگ بکشی، برو بینم! علی خندید و گفت: «صورتت را با آب قمقمه ات بشو!» (همان، ۲۹۲).

این نمونه ها به خوبی صداقت نویسنده را در بیان اتفاقات نشان می دهند و اعتماد مخاطب را جلب می نمایند و وی را با متن همراه می سازند. رک گویی و بیان بی پرده خاطرات، به طنز آمیز شدن فضای خاطرات نیز کمک شایانی نموده و از ویژگی های بارز قلم نویسنده، به ویژه در این کتاب به حساب می آید. لونا چارسکی در کتاب «درباره ادبیات» آورده است: طنز پرداز وقتی مخاطب را در مقابل پلشتی می خنداند، قادر است این حس را القا کند که پلشتی حقیر و ناتوان است و مرتبت مخاطب از لحاظ اخلاقی فراتر از آن (چگینی، ۱۳۸۸، ۲۵).

۴- ویژگی های کتاب

۴-۱- دامنه خاطرات

کتاب جنگ دوست داشتنی در سی فصل تنظیم شده و هر فصل معمولاً با مرخصی رفتن نویسنده یا اتمام عملیات، پایان می یابد. فصل نخست کتاب شرح کودکی و نوجوانی تا اعزام وی به جبهه است. تنها در این فصل، خانواده و زندگی بیرون از جنگ او مطرح می شود و در سایر فصل ها، فقط حوادث و خاطرات تاجیک درباره جبهه نوشته شده است. وقتی هم که مدتی نسبتاً طولانی را دور از فضای جبهه گذرانده، شرح اتفاقات را در چند جمله خلاصه می کند. حتی روابط عاطفی ای را که نسبت به مادرش دارد، نمی نویسد و فقط به ذکر ماجرای به خانه رسیدن هنگام بازگشت و مواجه شدن با مادرش در چند و یا حتی یک جمله اکتفا می کند.

- طبق معمول مادرم تا خبردار شد، به طرفم دوید؛ ولی پدرم ککش هم نمی گزید! چون با رفتن من به جبهه مخالف بود. اما باید می ساخت. جنگ بود دیگر! (همان، ۳۸۹).

- بالاخره به تهران رسیدم. باز هم ده خیر (محل سکونت خانواده تاجیک) بود و مادرم که انتظارم را می کشید. این بار حسابی دلش برایم تنگ شده بود. این را از چشمانش فهمیدم (همان، ۳۸۹).

۴-۲- ذکر جزئیات

نویسنده در متن خاطرات خود، جزئیات اتفاقات را ذکر می کند. او حتی رویدادهای روزمره و تکرار شونده را نیز یادآور می شود. بیان این جزئیات که دقت نویسنده و قدرت ذهن او را در ثبت و یادآوری خاطراتش می رساند، هر چند به ساختن تصویری نزدیک تر به واقع، برای خواننده کمک می کند و گاهی نیز لازم به نظر می رسد، اما در مجموع زیاد تکرار می شوند و تاجیک می توانست بعضی از آنها را حذف یا خلاصه کند؛ چرا که این تکرارها در بعضی موارد باعث خستگی خواننده می شوند:

ماشین به سرعت می رفت. بعد از آنکه از دید مستقیم عراقی ها بیرون رفتیم، به اولین میدان غربی شهر رسیدیم. از آنجا هم به طرف هرمز آباد حرکت کردیم. به سرعت از کنار آن گذشتیم و به محلی به نام تاسیسات برق رسیدیم که در اثر حملات دشمن ویران شده بود. بعد، یک سه راهی بود که یک سمت آن به محور

گردان بهشتی ختم می شد. به سمت چپ جاده پیچیدیم، اطراف جاده خاکریز دو جداره بود و امنیت بیشتری برای تردد کننده داشت. به اولین سنگر گروهان بهشتی رسیدیم... (تاجیک، ۲۴۲).

۵- شگردهای طنز نویسی

در دسته بندی ادبیات شوخ طبعانه، هجو ضد مدح و هزل مقابل هجو قرار دارد. هجو از خشم و عناد و کینه توزی سرچشمه می گیرد و هزل نیز به طریقی نازل، افراد را به سخریه می گیرد؛ اما در هجو و هزل، آرمان بلندی دیده نمی شود. لیکن در طنز که می توان آن را شکل متعالی هجو و هزل دانست، آرمانی ارزشمند جستجو می شود (حری، ۱۳۸۷، ۱۵).

قهرمان شیرینی در مقاله راز طنز آوری، طنز را اینگونه تعریف کرده است؛ طنز به تمام آثاری اطلاق می شود که در آن ها با استفاده از انواع فنون رایج ادبی، معایب و مفاسد اجتماعی به طعن و تمسخر گرفته شود. در واقع طنز، طرز یا گونه ای از ادبیات است که مزاح، شوخی و شوخ طبعی را به هم می آمیزد تا به طرز نكوهش بار رفتار های زشت و معایب انسان ها و جوامع را برملا سازد (همان، ۱۵).

شگردهایی را که در طنز نویسی به کار می روند، می توان به دو دسته اصلی طنز موقعیت و طنز عبارت دسته بندی کرد. طنز موقعیت، طنزهایی هستند که در آن، نویسنده با استفاده از جابه جایی شخصیت ها و قرار دادن آنها در شرایط و موقعیت نامتناسب زمانی یا مکانی یا تغییر جایگاه آنها، دست به خلق فضای طنز آمیز می زند. در این نوع طنز ستیز و رویارویی پیش آمده، ایجاد طنز می کند و این اتفاق، فارغ از عبارات و کلمات می افتد.

اما طنز عبارتی، بر اساس ظرفیت های زبانی ایجاد می شود. امکانات و صنایع ادبی همچون جناس، ایهام، ارسال المثل و بازی های زبانی دست مایه آفرینش طنزهای عبارتی قرار می گیرد. در داستان و خاطره، آفریدن طنزهای موقعیت، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که می تواند تعلیق و کشش داستانی ایجاد نماید و داستان را پیش ببرد. به عنوان مثال، حضور فردی که اعتقاد و التزامی به جبهه و جنگ ندارد، اما به دلایلی با همان خصوصیات وارد فضای معنوی جنگ و جبهه می شود، به خودی خود یک موقعیت طنز آمیز است. این امر در دو فیلم معروف «اخراجی ها» و «لیلی با من است» محور حوادث و موقعیت های طنز قرار گرفته است.

موقعیت طنز آمیز می تواند در موارد جزئی تر هم اتفاق بیفتد. مثل اشتباه گرفتن ظرف آب و گازوییل و یا تقسیم شربت بین رزمندگان با آفتابه نو و یا حضور شخصی با ویژگی های فیزیکی خاص در بین رزمندگان.

۱-۵- طنزهای موقعیت در کتاب جنگ دوست داشتنی

... نادعلی حدود ۲۷ سال داشت و قدش حدود هشتاد یا نود سانتی متر بود. او آدم عجیبی بود. یک نفر فردای آن روز تعریف کرد: عراقی ها شروع به ریختن آتش کردند. در همان لحظه یکی از بچه ها مجروح شد. مجروح را روی برانکارد گذاشتم و داد و فریاد کردم و کمک خواستم. همه جا تاریک بود. در همین حال که داد می زدم، دیدم جلوی برانکارد بلند شد. بلافاصله عقب آن را بلند کردم وقتی جلو را نگاه کردم، متوجه شدم کسی جلوی برانکارد نیست و برانکارد روی هوا می رود. با تعجب فریاد زدم الله اکبر... امام زمان (عج) ... برانکارد را رها کردم. صدایی توام با فشار به گوشم رسید که چرا برانکارد را ول کردی؟ چرا چرت و پرت می گویی؟ منم نادعلی، زود باش که مُردم ... نادعلی بدون اینکه حرفی بزند، زیر برانکارد را گرفته بود. پاهای مجروح جلوی سر نادعلی قرار می گیرد و سرش دیده نمی شود. (همان، ۴۲۰).

در این خاطره، الفاظ و یا امکانات زبانی ایجاد طنز نمی کنند. بلکه به تصویر کشیدن یک موقعیت ویژه است که فضای طنز آمیز را باعث می شود. موقعیت طنزی که کاملاً نمایشی است. وجود و تعریف شخصیتی با ویژگی های نادعلی در میدان نبرد ایجاد موقعیت طنز آمیز می کند. این اولین و آخرین باری نیست که موقعیتی این چنینی به خاطر فیزیک خاص یک رزمنده به وجود می آید.

انتقاد و واقعیت تلخی که لازمه طنز آمیز بودن یک مطلب در معنای واقعی آن و جدا شدن آن از مفاهیم و تعریف هایی مثل هزل، هجو و فکاهه می شود، نیز در این نمونه قابل اشاره است. در اینجا موقعیت طنز آمیز، ما را به خنده می اندازد. اما بعد از مدت کوتاهی با اندیشیدن به واقعیاتی به نام میدان جنگ و حضور افرادی همچون نادعلی در جبهه و فکر کردن به شرایط آن مجروح و طرح اعتقادات، پرسش ها و تلخی هایی در مذاقمان حس می کنیم.

... داخل سنگر پر بود از چیزهای جور واجور؛ از جمله لباس زنانه! که آن را پوشیدم و مسخره بازی در آوردم. به محمد گفتم، «حالا خوب است با این لباس ها

شهید بشوم و جنازه ام را همین طوری به ننه ام تحویل بدهند. ننه ام چه فکرها که نمی کند (همان، ۵۱۳).

لباس زنانه در اوج جنگ چه می کند؟ وجود این لباس در سنگر عراقی ها به خودی خود ایجاد موقعیت طنز می کند. حال فرض کنید رزمنده ای با شوخ طبعی تاجیک به این لباس بر بخورد. داستان می تواند به این جا ختم نشود. فرض کنید آن اتفاقی که در این خاطره پیش بینی شده، واقعا اتفاق می افتاد. همان طور که گفته شد، این نوع موقعیت ها نه تنها نیازی به عبارتهای طنز آمیز ندارند، بلکه می توانند فارغ از زبان و به حالت نمایش بی کلام نیز اجرا شوند. در ادامه چند نمونه کوتاه از موقعیت های طنز را که تعدادشان در کتاب جنگ دوست داشتنی کم هم نیست، بررسی می کنیم.

- هر گروهان سه قاطر داشت که بعضی از این قاطرها اعزام مجدد بودند و به محض شنیدن سوت خمپاره فوراً روی زمین می نشستند (همان، ۱۶۳).

- موعده حرکت نیروها بود. صدای صلوات مردم بلند بود. عده ای شعار جنگ جنگ تا پیروزی را سر می دادند. به حسین گفتم: «شیطان می گوید اینها را که شعار می دهند، جمع کنی ببری منطقه، تا دیگر این طور هنداونه زیر بغل ما نزنند!» (همان، ۵۱۷).

- ... گفتم: برادر! دمت پشم شیشه! این چی بود دادی به خوردمان؟
... خندید و گفت: «نکنند گازوییل خوردی! بچه جان مگر بو نکردی؟» گفتم: مشدی من که حس بویایی ندارم! ... گفتم «حالا اینها به جهنم، اگر یک ترکش داغ بخورد به شکم که مثل بشکه فوگاز می روم هوا!» (همان، ۳۶۳).

درک تناقض های موجود در موقعیت هایی که در سه خاطره ذکر شده وجود دارد، ایجاد خنده می کند. همان گونه که در خاطره اول دیده می شود، گاهی شرح موقعیت کافی است. بعضی مواقع مثل خاطره دوم، نمونه تناقض را با نکته سنجی اش به اصطلاح لو می دهد. و گاهی مانند خاطره سوم برای تاثیر گذاری بیشتر از واژه ها و اصلاحات عامیانه و شوخ طبعانه ای مثل، دمت پشم شیشه، مشدی و ... استفاده می شود. اما در مجموع این موقعیت خنده آور زائیده مواردی مثل نداشتن حس بویایی رزمنده است.

۲-۵- طنزهای عبارتی

در کنار طنزهای موقعیت، با طنزهایی در خاطرات این کتاب مواجه می شویم که در آنها، این عبارتها و ظرفیت های زبانی هستند که شخصیت ها با استفاده

از آنها ایجاد طنز می کنند. در این گونه طنزها، از انواع امکانات زبانی مثل ضرب المثل ها، انواع جناس، ایهام و ... استفاده و به تعبیری سوء استفاده می شود. بازی با الفاظ و واژگان پر کاربرد در منطقه جنگی، دعاها و حتی آیات و احادیث از جمله دست مایه های ایجاد طنز عبارتی در خاطرات دفاع مقدس است که نمونه هایی از آنها در کتاب جنگ دوست داشتنی بررسی می کنیم.

۱-۲-۵- ضرب المثل

گفت: یک قاطر ترکش خورده، می خواهم راحتش کنم. گفتم: «حالا جواب زن و بچه اش را چه می دهی؟ اگر آن دنیا سر پل ذهاب جلوی تان را نگرفت (همان، ۱۶۱).

در این نمونه، نویسنده از تشابه دو لفظ سر پل ذهاب و سر پل صراط که به ترتیب نام یک منطقه جنگی و اصطلاحی دینی هستند، استفاده کرده و ایجاد طنز نموده است. باید توجه داشت که «سر پل صراط جلوی کسی را گرفتن» عبارتی کنایی و به نوعی ضرب المثل است.

۲-۲-۵- جناس

بعد از تقسیم کله پاچه بین دسته ها، سفره را پهن کردیم؛ آن روز شش عدد کله برای خودمان برداشته بودیم. عجب عدالتی داشتم من! خدا هم کاری کرد که از دماغمان بیرون بزند. کله پاچه خوردن همان و کله پا شدن همان! (همان، ۳۵۵).

در این خاطره، خود موقعیت، چندان شوخ طبعانه نیست و بلکه اقرار است به یک بی عدالتی؛ اما با فراهم شدن زمینه در پایان خاطره با استفاده جالب از تناسب واژه های کله پاچه و کله پا، ضمن اینکه مخاطب را با نتیجه بی عدالتی مواجه می کند تا دلش خنک شود! ایجاد طنز عبارتی نیز می نماید.

۳-۲-۵- ایهام

رفتم کنار منبع آب تدارکات و سر شیر را باز کردم و داخل کاسه گذاشتم، بعد با صدای بلند داد زدم برادرها بیاید سر شیر بگیرید. تدارکات سرشیر می دهد! طولی نکشید که بچه ها سراسیمه به طرف تدارکات دویدند. بعضی ها آن قدر عجله داشتند که با پای برهنه آمده بودند. بچه های تدارکات که از کار من خنده شان گرفته بود، داد می زدند: «بابا بیاید دروغه» من هم داد می زدم خدا شاهده دروغ نیست، توی کاسه ام سر شیر است!... (همان، ۲۵۶).

تاجیک در این خاطره با استفاده از تلفظ مشابه دو کلمه، به شکلی عامدانه دست به ایجاد موقعیت طنز می زند، موقعیتی که برآمده از ظرفیت زبانی است. او معنای دورتر واژه را در نظر می گیرد و همزمانش را به وهم می اندازد. چرا که آنان معنای نزدیک کلمه (سرشیر خوردنی) را با توجه به بردن نام تدارکات در نظر می گیرند.

از تفاوت های عمده و اساسی ای که میان طنز موقعیت و طنز مبتنی بر عبارت وجود دارد که تشخیص آنها را از یکدیگر آسان تر می سازد، قابلیت ترجمه پذیری آنهاست. طنزهای مبتنی بر موقعیت، با توجه به عدم وابستگی شان به ظرفیت ها و ویژگی ها و ساخت زبانی به هر زبانی که ترجمه شوند، در محتوا و لطف و جذابیت آنها خللی ایجاد نمی شود. اما طنزهای مبتنی بر عبارت بعد از ترجمه غالباً جذابیت شان را از دست می دهند.

۳-۵- تلفیق موقعیت و عبارت در طنزها

این دسته بندی به معنای جدایی این شگردها از هم نیست. بلکه در اکثر موارد این دو در هم ادغام می شوند تا طنزی تاثیر گذار و کامل ایجاد کنند. با این حال در طنزهایی که ترکیبی از این دو شگرد در آنها به کار رفته، می توان بخش های مبتنی بر موقعیت و عبارت را از هم بازشناخت و تفکیک نمود. در خاطره زیر، موقعیت ویژه یعنی حضور در خاک دشمن عرب زبان، زمینه ایجاد طنز عبارتی شیرینی را فراهم نموده است.

بچه ها پرسیدند: «چیه، چرا می خندی؟» گفتم: «یک سگ بیرون است که فارسی حالی اش نمی شود!» گفتند: «چرا چرت و پرت می گویی؟ مگر می شود؟ گفتم امتحان کنید! هر چه گفتم چخه، حالی اش نشد، گفتم شاید توی عراق باید عربی گفت چخه. بعد گفتم: الچخه! فرار کرد و رفت آن طرف تر و با صدای بلند گفت: الهاپ، الهاپ (همان، ۳۰۱).

در مجموع موقعیت ها هستند که خاطرات را خواندنی می کنند؛ چرا که با تغییر موقعیتی شخصیت ها شرایطی ایجاد می شود که مخاطب با ماجرا همراه می شود و این هنر نویسنده است که از این میان، موقعیت های طنز آمیز را کشف و ضبط کند و با استفاده از زبان متناسب و بهره گیری از ظرفیت های آن و به کارگیری عبارات و اصطلاحات شوخ طبعانه دست به خلق خاطراتی خواندنی، انتقادی و اثرگذار بزند. کیومرث صابری فومنی (گل آقا) نوشته است: من اگر طنز نویس نمی شدم، شکی ندارم که می رفتم تو کار مینیا تور! (صدر، ۱۳۸۱، ۹۱).

۳-۵- اصطلاحات و عبارات طنز آمیز در کتاب

تلفیق جملات فارسی و عربی، دستکاری در ضرب المثل ها و تکیه کلام های خاص از جمله ابزارهای ایجاد طنز عبارتی و پر رنگ کردن موقعیت ها در خاطرات جنگ هستند. نمونه هایی از این اصطلاحات که در کتاب جنگ دوست داشتنی کم نیستند، به قرار زیرند.

ایها العراقیون! عجلوا بالتوبه قبل الموت (ص ۳۳۴).

بعد از مردن سهراب، دعای جوشن کبیر خواندند! (ص، ۱۴۹).

فهمیدم برای من برنامه دارند و کاسه‌ای زیر لگن حمام دارند! (ص، ۳۲۹).

شانس را می بینی؟ لب دریا هم برویم باید یک آفتابه آب با خودمان ببریم! (ص، ۳۳۰).

پدري ازتان در بياورم که مرغان آسمان به حالتان کچل شوند! (ص، ۳۵۲).

من خودم صد تا مثل تو را می برم لب آب، تشنه خفه می کنم! (ص، ۳۲۹).

موش تو سوراخ نمی رفت، سوار دو طبقه می شد! (ص، ۳۸۸).

از تکیه کلام های به کار رفته در جنگ دوست داشتنی «توی قوطی کردن، کلید کردن و کپ کردن» است که چندین بار از زبان بعضی شخصیت های خاطرات ذکر شده اند.

گفتم: نترس بگذار یک خرده حال عراقی ها را بکنم تو قوطی!

وقتی از پشت پرده چشممان به نیروها افتاد، خودمان را باختیم و کلید کردیم.

رفتم جلو و باصدای بلند گفتم: بچه ها! امشب عروسیه، نباید کپ کنید.

۶- نتیجه

همگام با خواندن کتاب جنگ دوست داشتنی با خاطرات سعید تاجیک از دوره حضورش در جنگ همراه می شویم. او در نگارش خاطراتش نگاهی دقیق و تیز بینانه به قضایا دارد و با بافتن طنز و شوخ طبعی در تار و پود نوشته اش، آن را به اثری خواندنی بدل کرده است. وی در این کتاب از هر دو شگرد ایجاد طنز یعنی ایجاد موقعیت طنز آمیز و بهره گیری از طنز عبارتی، به خوبی بهره جسته است. فضای جبهه، خود آباستن موقعیت های طنز آمیز است و سعید تاجیک با هوشمندی این موقعیت ها را که خود وی در ایجاد بسیاری از آن ها نقش داشته، با عبارات و اصطلاحات و بازی های زبانی مناسب برای ایجاد طنزهایی کامل و ترکیبی به کار

برده است. به کارگیری و به خصوص تلفیق این دو شگرد از نقاط قوت کتاب جنگ دوست داشتنی است که طنزی دوست داشتنی را در خود دارد.

کتابنامه

۱. تاجیک، سعید، **جنگ دوست داشتنی**، چاپ سوم، نشر سوره مهر، تهران: ۱۳۸۷.
۲. پرنیان، معزز، **یادنگاران؛ گفتگو با خاطره نویسان دفاع مقدس**، نشر صریر، تهران: ۱۳۸۴.
۳. پلارد، آرتور، **طنز**، ترجمه سعید سعیدپور، چاپ دوم، نشر مرکز، تهران: ۱۳۷۸.
۴. چگینی، فاطمه، «شکل دگر خندیدن»، **کتاب طنز (۵)** گردآورنده؛ عبدالجواد موسوی، نشر سوره مهر، تهران: ۱۳۸۵.
۵. حری، ابوالفضل، مقاله «آسیب شناسی واژگان طنز»، **کتاب طنز (۴)**، گردآورنده؛ عبدالجواد موسوی، نشر سوره مهر، تهران: ۱۳۸۷.
۶. دهقان، احمد، **خاک و خاطره**، نشر صریر، تهران: ۱۳۸۶.
۷. صدر، رویا، **بیست سال با طنز**، نشر هرمس، تهران: ۱۳۸۱.
۸. هاشمی، سید جواد، «**خاطره نویسی در تئوری و عمل**» **گامی به سوی علمی شدن خاطره نویسی**، نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۶.